

درس پنجم

عناصر داستان (۴):
توالی عناصر داستان



دانش‌آموزان ترتیب و توالی درست عناصر داستان (آمحا) را تشخیص دهند. دانش‌آموزان با خواندن جمله‌های مربوط به هر یک از عناصر داستان (آمحا) آن‌ها را با ترتیب و توالی درست کنار هم قرار دهند (رونویسی داستان). دانش‌آموزان ابزار انسجامی داستان مانند کلمه‌های ربط (اما و ...)، استفاده از ضمیر به جای تکرار اسم، آغازگرهای مناسب جمله‌ها مانند «برای همین، در پایان و ...» را بشناسند و بتوانند استفاده کنند. دانش‌آموزان داستان را برای دیگران بازگو کنند.

با هم بیاموزیم (فعالیت‌های کلاسی)

معلم کتاب‌های داستان یا داستان‌های تصویری را تهیه می‌کند. سپس شکل نمادین مربوط به عناصر داستان را روی تابلو می‌کشد. دانش‌آموزان را با نام داستان آشنا می‌کند. معلم جمله‌های داستان را بی‌نظم و بدون توالی خاص بیان می‌کند و روی تابلو می‌نویسد و با یادآوری درس‌های پیشین دانش‌آموزان را هدایت می‌کند که همه‌ی عناصر داستان (آمحا) را مشخص نمایند. ابتدا معلم و سپس دانش‌آموزان با مشخص کردن توالی و ترتیب درست عناصر داستان، جمله‌های داستان را کنار هم قرار دهند. در پایان از هر دانش‌آموز خواسته شود داستان را بازگو کرده یا دوباره بخواند. لازم است در صورت توانایی دانش‌آموزان به‌کارگیری ابزار انسجامی برای زیباتر و مفهوم‌دارتر شدن داستان مورد توجه قرار بگیرد.

۱. ببینید، بشنوید و بگویید.



پسر مهربان



یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچ کس نبود.

○ ناگهان در راه خانه پرنده‌ای زخمی دید.

○ رامین دانش آموز کلاس ششم است. او خیلی مهربان و شجاع است. رامین یک روز عصر بعد از بازی با دوستانش به خانه برمی گشت که ...

○ پرنده بعد از چند روز، خوب شد، پرواز کرد و رفت.

○ برای همین رامین پرنده را برداشت، به خانه بُرد و با کمک مادرش، زخم پرنده را بست.



همکار و والدین گرامی! برای انجام این تمرین به روش زیر عمل کنید:

۱. از دانش‌آموزان بخواهید تصویرها را نگاه کنند و داستان را تعریف نمایند.
۲. با یادآوری آموخته‌هایشان در سال چهارم، از آن‌ها بخواهید جمله‌ها را ابتدا بخوانند و با توجه به ترتیب و توالی داستان شماره‌ای برای آن‌ها بگویند تا توالی مناسب جمله‌ها مشخص شود.
۳. از دانش‌آموزان بخواهید با توجه به آموخته‌های درس‌های قبل تشخیص دهند که هر جمله مربوط به کدام عنصر یا قسمت داستان است و هر جمله را در شکل نمادین با بخش مربوطه (آغاز، مسئله و ...) تطابق دهند.
۴. بهتر است کارت نوشتاری جمله‌ها تهیه شود که برای قراردادن در توالی مناسب، سپس قرارگیری در شکل نمادین عناصر داستان، کار راحت‌تر انجام شود.



همکار گرامی! بعد از اینکه دانش‌آموزان تصویرها را دیدند و جمله‌ها را خواندند، برای مشخص نمودن توالی مناسب جمله‌های داستان و مشخص نمودن اینکه هر جمله نمایان‌کننده کدام یک از عناصر داستانی است بر توالی این عناصر تأکید کنید. بدین ترتیب دانش‌آموزان درمی‌یابند که هر داستان توالی دارد و عناصر آغاز، مسئله، حل مسئله و آخر داستان آن را شکل می‌دهد. نوشتن داستان به صورت رونویسی در منزل توصیه می‌شود. اگر داستان در قالب کادری باشد که جمله‌های مربوط به عناصر داستان به تفکیک داخل آن قرار گیرد، به فهم و درک دانش‌آموزان کمک می‌کند.



۲. با هم بخوانیم.

گرگ و بزها



سه تا بز چاق و سفید با موهای بلند با هم دوست بودند.

- ۱ بزها در یک روز بهاری، چمنزاری را در آن طرف رودخانه می‌بینند و می‌خواهند از روی پل عبور کنند تا به آنجا بروند.
- ۲ ناگهان آقا گرگه جلوی آن‌ها را می‌گیرد.
- ۳ اما بزها به گرگ شاخ می‌زنند و گرگ را در رودخانه پرتاب می‌کنند.
- ۴ سرانجام بزها به آن طرف پل می‌رسند و علف می‌خورند.





همکار گرامی! شناسایی توالی مناسب عناصر داستان هدف از انجام این تمرین است. سعی کنید دانش آموزان، بسته به توانایی، جمله‌های هر عنصر داستانی را کنار هم بنویسند و واژه‌ها و حروف ربط مناسب انتخاب کنند تا انسجام داستان حفظ شود. با یادآوری آموخته‌های سال چهارم، بخواهید نامی برای داستان انتخاب کرده، بگویند و بنویسند.

۳. جمله‌های داستان را با توجه به ترتیب عناصر داستان شماره‌گذاری کنید. داستان را در قسمت پایین بنویسید و نامی مناسب برای آن انتخاب کنید.



- وقتی نازنین به خانه برگشت، پشیمان شد و از مادرش عذرخواهی کرد.
- او به مغازه رفت. اما با همه‌ی پولش شکلات خرید و دیگر پولی برای خرید تخم‌مرغ نداشت.
- نازنین ۷ سال دارد و با پدر و مادرش در روستا زندگی می‌کند. مادر نازنین دیروز از او خواست به مغازه برود و تخم‌مرغ بخرد.
- در آخر مادر او را بخشید و به نازنین پول داد تا دوباره به مغازه برود و تخم‌مرغ بخرد.



نام داستان:

.....

.....

.....

۴. جمله‌های داستان را به ترتیب و با توجه به عناصر داستان شماره‌گذاری نمایید و داستان را در قسمت پایین همراه با نامی زیبا برای آن بنویسید.

- موش کوچولو خیلی گرسنه بود.
- موش کوچک، لاغر و قهوه‌ای رنگی در یک مزرعه زندگی می‌کرد. موش کوچولو یک شب از لانه‌اش به کاسه‌ی شیر گربه‌ها نگاه می‌کرد.
- موش کوچولو سیر شد و گربه‌ها گرسنه ماندند.
- برای همین موش کوچولو آهسته آهسته رفت، همه‌ی شیر را خورد و فرار کرد.



نام داستان:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

والدین گرامی؛ داستانی را برای فرزندتان در نظر بگیرید. جمله‌های داستان را بی‌نظم و بدون توالی خاص روی برگه بنویسید. از فرزندتان بخواهید جمله‌ها را بخواند و در گفت‌وگوی دونفره با مشخص نمودن اینکه هر جمله نمایان‌کننده کدامیک از عناصر داستانی است بر توالی عناصر داستان، تأکید کنید و جمله‌های داستان را کنار هم قرار دهید. سپس به او این فرصت را بدهید تا داستان را تعریف کند.

